

## راهکار قرآنی شکل گیری و حفظ نظام ولایی در اندیشه آیت الله خامنه ای حفظه الله تعالی

حسن اورعی<sup>۱</sup>

### چکیده

با اتصال نبوت به ولایت، مسیر اجرای دین در ساحات مختلف، از نبوت به ولایت تغییر یافت. ولایت تحقق نظاممند شریعت الهی در تمامی ساحات زندگی بشر است. در این نوشتار پس از بررسی جریان ولایت الهی از خدا تا سطح حیات انسانی، مؤلفه‌های نظام ولایی بیان شده است. از بین این مؤلفه‌ها، تشکیل امت اسلامی زمینه تحقق نظام ولایی است. در ادامه تحقیق، شرایط تحقق نظام ولایی ذیل مؤلفه امت اسلامی بررسی و با مراجعه به قرآن کریم و با محوریت نظرات قرآنی مقام معظم رهبری مد ظله العالی، لوازم تحقق نظام ولایی تبیین شده است. غایت نظام ولایی در اسلام، اجتماع امت حول ولی جامعه جهت برپایی عدالت است. طبیعی است که دشمنان برپایی چنین نظامی را برنخواهند تافت. در پایان، با طرح فتنه دشمنان برای مقابله با نظام ولایی، راهکار مقابله با فتنه «انفراض» و شرایط حفظ و استمرار نظام ولایی برگرفته از قرآن کریم تبیین شده است. مقام معظم رهبری با توسعه معنایی این راهکار قرآنی، مسیر اجرای شریعت را در بین مردم مشخص فرمودند. هنر اصلی ولی جامعه، امتداد و توسعه معنایی آموزه‌های قرآنی در بستر اقتضائات زمانی حیات امت اسلامی است.

**واژگان کلیدی:** آیت الله خامنه ای، نظام ولایی، اقامه قسط، فتنه انفراض.

---

<sup>۱</sup>. استادیار پژوهشکده کوثر دانشگاه جامع امام حسین؛ .

## مقدمه

بقای نظام به معنای حرکت به سوی غایت اصلی خویش یعنی زمینه‌سازی اقامه عدالت، تمدن نوین اسلامی و ظهور حضرت حجت ارواحنا لتراب مقدمه الفداء است. باید بدانیم که «بزرگ‌ترین معروف‌ها در درجه‌ی اول عبارت است از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی؛ این امر به معروف است؛ معروفی بالاتر از ایجاد نظام اسلامی و حفظ نظام اسلامی نداریم.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱/۱)

به صورت روشن، مسأله اصلی این پژوهش یافتن راهکار تشکیل و حفظ نظام ولایی از قرآن کریم مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی است. منظور از حفظ نظام ولایی، حرکت به سوی غایت این نظام تا رسیدن به سر منزل مقصود است. به تعبیر بهتر این که چگونه می‌توان نظام ولایی تشکیل داد؟ چگونه این نظام را به سوی غایت خود سوق داد؟ چگونه این نظام را از شر توطئه‌های دشمنان حفظ کرد و شرط بقای این نظام ولایی از منظر قرآن کریم چیست؟ غایت حیات اجتماعی اسلام با بهره‌گیری از تشکیل نظام ولایی چیست؟ بیان آخر این که نظام ولایی، انسان را به چه غایتی در بستر حیات اجتماعی خواهد رساند و چگونه زمینه حیات طیبه را در همین زندگی دنیایی فراهم می‌کند؟ ناگفته پیداست که حیات اخروی تجلی حیات دنیوی انسان است و حیات طیبه دنیوی، حیات اعلای اخروی را متجلی خواهد ساخت.

## • پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه، پژوهش‌هایی که این مسأله را از زوایه فقهی، فلسفی، مبانی حکومتی، علوم سیاسی و مانند آن بررسی کرده‌اند، هرچند تعداد قابل توجهی هستند، ولی به صورت مستقیم با موضوع این نوشتار ارتباط نداشتند. از جمله پژوهش‌های انجام شده که تاحدودی به این نوشتار ارتباط دارند بدین قرار است: مطهرنیا، نعیم‌آبادی و پریزاد (۱۴۰۱) مؤلفه‌های کارآمدی نظام ولایی در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر فطرت انسان‌ها بررسی کرده‌اند. امامی و بخشی (۱۳۹۴) جهان‌شمول بودن نظام ولایی را بررسی کرده‌اند که البته از دیدگاه امام خمینی رحمت الله علیه است. از جمله مباحث دیگر که به موضوع این نوشتار نزدیک است، نقش مردم در نظام ولایی است. ابوالفضل (۱۳۸۳) به نقش مردم در نظام ولایی پرداخته است. خسروپناه (۱۳۹۹) هم در مقاله‌ای اصل نظریه فقه نظام ولایی را تبیین کرده است. بررسی دیگر پژوهش‌ها هم نشان می‌دهد به صورت مستقیم به موضوع این نوشتار ارتباط ندارند و هر کدام از یک زاویه خاص به اصل یا قسمتی از مسائل نظام ولایی پرداخته‌اند.

نوشتار حاضر بنا دارد راهکار قرآنی شکل‌گیری و نیز حفظ نظام ولایی را تا رسیدن به غایت این نظام از منظر مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی بررسی کند. در بین پژوهش‌های انجام شده تقریباً هیچ کدام به صورت مستقیم به این موضوع نپرداخته‌اند. نوآوری دیگر این نوشتار نگاه انسجامی به قرآن کریم و استخراج مبانی قرآنی این موضوعات است. نگارنده بر این نظر است دو کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی» و نیز «انسان ۲۵۰ ساله» اگر به خوبی تبیین شوند و اگر توسط محققان به صورت عینی‌تر با موضوعات امروزی مصداق‌یابی شوند بهترین منابع برای نیل به غایت پژوهش حاضرند.

## ۱. نبوت، رسالت، ولایت

فارغ از فلسفه نیاز بشر به هدایت الهی، بحث از فلسفه نبوت، رسالت و ولایت از مسائل مهم در این حوزه است. به صورت کوتاه تأملی در تفاوت این سه شأن از شئون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خواهیم داشت. در قرآن کریم خطاب‌های الهی به پیامبر اسلام گاهی با عنوان «نبی» و گاهی با عنوان «رسول» ایراد شده است که نشان از دو شأن مختلف ولی در عین حال مرتبط با هم دارد. اگر بخواهیم تفکیکی بین این دو عنوان بیان کنیم شاید این سؤال کمک کننده باشد که آیا آنچه ختم شده است؛ نبوت است یا رسالت یا هردو؟ آنچه مسلم است، نبوت ختم شده است و پس از پیامبر اسلام «نبی» دیگری نیامده و نخواهد آمد: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب: ۴۰).

تأمل در آیات قرآن کریم نشان می‌دهد شأن نبی بودن پیامبران دلالت بر دریافت «نبأ»ها و اخبار عالم غیب دارند. به تعبیر بهتر، نبی کسی است که از طریق وحی اخبار غیبی را دریافت می‌کند. پس نبوت شأن دریافت وحی نبوی است. همین پیامبر مکلف است آنچه از وحی دریافت کرده را به مردم نیز ابلاغ بفرماید. این شأن پیامبر رسالت نام دارد. لذا در مواردی که پیامبر جهت دریافت وحی رو به سوی خدا دارد، با خطاب «نبی» و هر زمان که شأن ابلاغ وحی به مردم مد نظر بوده خطاب «رسول» داشته است. رسالت عمومی انبیاء عبارت است از ابلاغ وحی به عموم مردم. گاهی برخی از انبیاء رسالت خاص نیز داشته‌اند. این رسالت خاص یا ابلاغ یک پیام خاص به مردم بوده؛ یا این که دریافت کننده پیام فرد یا گروه خاصی بوده‌اند. به عنوان مثال رسالت خاص حضرت موسی علیه السلام، ابلاغ وحی به شخصی خاص یعنی فرعون بوده است. در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، رسالت خاص ایشان اتصال نبوت به ولایت بوده است؛ یعنی ابلاغ پیامی خاص که نبوت ختم شده و رسالت تبلیغ دین و اجرای احکام دین پس از نبی قرار است از مسیر ولایت دنبال شود.

ولایت مغناطیسی است که می‌تواند مردم را به هم پیوند دهد و در مسیر عبودیت با راهبری ولی خدا به ولایت الهی متصل گرداند. ولایت جریان یافتن شریعت در تمامی ساحات زندگی بشر است. به تعبیر بهتر با ختم نبوت، برنامه الهی برای سعادت بشر تکمیل شده است؛ اما این برنامه هنوز در تمامی ساحات و به صورت کامل عملیاتی و اجرا نشده است. ولایت اجرای شریعت در زندگی بشر در تمام ساحات فردی، خانوادگی، اجتماعی - سیاسی و حتی در افق تمدنی است. این مرحله یعنی اجرای شریعت، در تمامی ساحات هنوز به غایت خود نرسیده است و به صورت کامل تحقق نیافته است. ولایت الهی از مسیر رسول و سپس جانشینان رسول جریان یافته است؛ مؤمنان اگر به رسول ایمان بیاورند (هم ایمان قلبی و هم عملی)، به این جریان ولایت متصل شده‌اند، در غیر اینصورت حتی اتصالشان به شریعت هم محل اشکال است. اما شروط اولیه ورود به ولایت الله چیست؟

## ۲. مؤلفه‌های نظام ولایی

مؤلفه‌های نظام ولایی در اسلام را می‌توان مجموعه‌ای از اصول و ارکان دانست که برای شکل‌گیری، حفظ و استمرار این نظام ضروری‌اند. تا به اینجا بحث می‌توان سه رکن و مؤلفه برای نظام ولایی تعریف نمود. در نظام ولایی قرار است «دین خدا» به عنوان برنامه الهی حیات ابدی بشر «توسط «ولی خدا» در بستر «مردم» اجرا شود تا مردم به واسطه عمل به شریعت و به رهبری ولی خدا رشد یافته و به کمال الهی تقرب جویند. با این بیان، سه مؤلفه نظام

ولایی را می‌توان دین خدا، ولی خدا و مردم معرفی نمود. این سه مؤلفه در فرمایشات مقام معظم رهبری مد ظله العالی هم به وضوح بیان و تبیین شده است:

۱. خاستگاه الهی حکومت ولایی: یکی از ارکان اساسی حکومت ولایی، الهی بودن خاستگاه آن است. در حکومت الهی، دین خدا حاکم است. به این معنا که برخلاف نظام‌های سیاسی غرب که بر پایه قرارداد اجتماعی بنا شده‌اند، در حکومت ولایی این حقوق الهی هستند که مبنای اصلی حقوق سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرند. از نظر مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی در اسلام، هیچ ولایت یا حاکمیتی بر انسان‌ها پذیرفته نیست، مگر آنکه از سوی خدای متعال تعیین شده باشد. هرگاه در مسائل مختلف فقهی مانند ولایت حاکم، قاضی یا مؤمن - که انواع مختلفی از ولایت وجود دارد - شک کنیم که آیا دلیل شرعی برای این ولایت وجود دارد یا خیر، اصل را بر عدم ولایت می‌گذاریم؛ زیرا این منطق اسلام است. تنها زمانی این ولایت پذیرفتنی است که از سوی شارع مقدس تأیید شده باشد. تأیید شارع نیز مشروط به این است که فردی که ولایت به او واگذار می‌شود - در هر سطحی از ولایت - دارای اهلیت و صلاحیت باشد؛ یعنی عدالت و تقوا را دارا باشد و علاوه بر آن، مردم نیز او را بپذیرند. این، همان منطق مردم‌سالاری دینی است که بنیانی مستحکم و عمیق دارد. (مقام معظم رهبری، ۸۲/۹/۲۶) در اندیشه اسلامی، حق سرپرستی و اداره امور جامعه به طور مطلق متعلق به خداوند متعال است. هیچ انسانی، صرف‌نظر از قدرت، ثروت، دانش یا تدبیر، این حق را ندارد که به‌تنهایی و بدون اراده الهی مسئولیت هدایت و مدیریت امور انسان‌ها را بر عهده گیرد. خداوند به‌عنوان خالق و مالک همه هستی، عالم به مصالح و نیازهای انسان‌هاست و این حق انحصاری را تنها از طریق مجاری خاصی اعمال می‌کند. (مقام معظم رهبری، ۶۹/۴/۲۰)

۲. ولایت ولی خدا، امتداد ولایت الله: از نظر مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی خداوند به‌عنوان خالق و مالک مطلق هستی، این ولایت و حاکمیت را از طریق مجاری خاصی اعمال می‌کند. این مجاری شامل دو شیوه اصلی است: نخست، تعیین مستقیم افراد از سوی خداوند، همان‌گونه که در مورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام رخ داده است، و دوم، انتخاب افراد بر اساس معیارها و ضوابط شرعی مشخص در نظام اسلامی. حتی در چنین شرایطی، اختیارات ولی یا حاکم اسلامی، در واقع تجلی ولایت الهی است و حق آنان در اداره امور مردم، مشروعیتی مستقل ندارد، بلکه ناشی از اراده و قدرت الهی است. به‌طور کلی، در نظام ولایی، هرگونه حق تصدی امور مردم تنها در چارچوب ولایت الهی معنا پیدا می‌کند و هیچ انسانی، صرف‌نظر از توانمندی‌ها یا ویژگی‌های فردی، بدون اتصال به این ولایت، حقی برای مدیریت یا اداره امور دیگران ندارد. این اصل، بنیان مشروعیت حاکمیت در نظام اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۶۹/۴/۲۰).

۳. جایگاه محوری مردم در نظام ولایی: اسلام، حکومت را با تعبیر ولایت بیان می‌کند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولی، مولا - یعنی اشتقاق کلمه ولایت - معرفی می‌کند؛ یعنی در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی‌ناپذیری از هم دارند. این مطلب، فلسفه سیاسی اسلام را در مسأله حکومت برای ما معنا می‌کند. هر حکومتی که این طور نباشد، ولایت نیست. اگر فرض کنیم در رأس قدرت، کسانی باشند که با مردم ارتباطی نداشته باشند، این ولایت نیست. ولایت، در صورتی است که ارتباط والی یا ولی، با مردمی که ولایت بر آنهاست، یک

ارتباط نزدیک، صمیمانه، محبت‌آمیز و همان‌طوری که در مورد خود پیامبر وجود دارد و قرآن نیز به همین امر اشاره دارد: «بعث فیهم رسولا من انفسهم» یا «بعث منهم»؛ کسی مبعوث شده که از خود آنها است. اساس کار در حاکمیت اسلام این است. (مقام معظم رهبری، ۷۶/۲/۶). «در جامعه‌ی اسلامی دستگاه مدیریت جامعه و حاکمیت جامعه، همه و همه متکی به مردم، جزو مردم، همراه با مردم، متصل به مردم — به تمام معنای اتصال — هستند و جدا نیستند» (مقام معظم رهبری، ۶۹/۴/۲۰)

از بین سه رکن بیان شده در طول تاریخ دو رکن اول همیشه بوده، خلأ عدم تشکیل حکومت ولایی به ایفای نقش رکن سوم یعنی امت اسلامی برمی‌گردد.

**حلقه مفقوده:** نکته قابل تأمل اینجاست که چرا از صدر اسلام تا کنون، نظام ولایی به معنای کامل آن محقق نشده یا به اهداف خود نایل نیامده است؟! در دوران ائمه اطهار علیهم السلام که ولی خدا حضور داشتند، دین خدا هم به کمال رسیده بود، پس چرا نظام ولایی محقق نشد؟ اینجا است که نقش مهم مؤلفه سوم یعنی مردم و تشکیل امت اسلامی جهت تحقق نظام ولایی روشن می‌شود. اگر بخواهیم در قالب مثال توضیح دهیم، نظام ولایی به منزله روح در پیکر امت اسلامی است. طبیعتاً لازمه تحقق این نظام، تشکیل پیکره آن یعنی امت اسلامی است. تأمل در برخی مناسبات اجتماعی اسلام نشان از سوگیری تربیتی مردم جهت تحقق این نظام دارد.

نظام ولایی در اسلام بر پایه ولایت الهی و نقش ولی خدا شکل می‌گیرد و امت اسلامی به عنوان بستر تحقق آن عمل می‌کند. عدالت، هدایت، شریعت، و تمدن‌سازی از اهداف و ارکان این نظام هستند. مشارکت فعال امت و مقابله با فتنه‌ها، شرط استمرار این نظام است. در نهایت، نظام ولایی به دنبال تحقق جامعه‌ای است که در آن انسان به کمال الهی و سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. (برای تبیین جامعه دارای ولایت؛ رک: مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ص ۴۵۱ تا ۴۵۳).

### ۳. اجتماع امت زمینه تحقق نظام ولایی

پیش‌تر بیان شد که بستر تحقق نظام ولایی مردم هستند. ولی الهی نیز زمانی می‌تواند حکومت و نظام ولایی ایجاد کند که مردم گرد او مجتمع گردند. مردم لازم است برای برپایی نظام ولایی آماده شوند. از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های خاصی که برای ولی خدا در ادامه مسیر رسالت در قرآن کریم ذکر شده، اقامه نماز است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵). ویژگی دوم ایتای زکات است. فارغ از مصداق مشخص و شأن نزول ویژه این آیه شریفه که مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است، ذکر این دو ویژگی برای ادامه ولایت الهی از خدا و رسول و در مرحله بعد جانشینان رسول، قابل توجه است. ویژگی اول یعنی اقامه نماز را در این قسمت و مسأله ایتای زکات (توسعه معنایی اتفاق توسط مقام معظم رهبری) را در مباحث انتهایی این نوشتار مورد بررسی بیشتر قرار خواهیم داد. آنچه واضح است در نظام ولایی پیوند عمیقی بین ولایت و نماز برقرار است. جالب‌تر این که در مسأله‌ای مثل نماز به عنوان ستون دین، تمرینی برای تحقق نظام ولایی نهاده شده است. این تمرین تحت عنوان فراخوان‌های اجتماعی اسلام قابل بیان است.

#### ۴. تأملی در فراخوان های اجتماعی اسلام

اسلام در نگاه اولیه ممکن است صرفاً به عنوان دینی فردی تلقی شود که عبادات آن، مانند نماز، به ارتباط انسان با خدا محدود است. اما بررسی دقیق تر نشان می دهد که اسلام حتی در عبادات فردی، جنبه اجتماعی را به طور عمیق لحاظ کرده است. این دین با ایجاد اجتماعات متعدد در زمان ها و مکان های مختلف، امت اسلامی را به تمرین های اجتماعی و آمادگی برای تحقق نظام ولایی دعوت می کند. محور این اجتماعات، ولی جامعه است که نقش مرکزی در هدایت امت ایفا می کند.

۱. **نماز جماعت:** نماز جماعت، اجتماعی روزانه در مسجد محله است که امت را به گردهمایی حول امام جماعت دعوت می کند. این تجمع، علاوه بر تقویت روابط اجتماعی و ایجاد همبستگی، تمرینی برای ولایت پذیری و تقویت روحیه تبعیت از ولی جامعه است.

۲. **نماز جمعه:** نماز جمعه، اجتماع هفتگی امت اسلامی در مسجد جامع یا مصلا، با محوریت امام جمعه است. این نماز با دو خطبه واجب، به مسائل دینی، اجتماعی و سیاسی می پردازد و تمرینی برای گردهمایی امت حول محور ولی جامعه و رهایی از دلبستگی های دنیوی است.

۳. **نماز عیدین:** نماز عید فطر و قربان، اجتماعات سالانه امت اسلامی است که مشابه نماز جمعه، بر محوریت امام و مکان خاص تأکید دارد. این فراخوان اجتماعی، امت را به تقویت روحیه وحدت و ولایت پذیری دعوت می کند.

۴. **حج:** حج، بزرگ ترین اجتماع امت اسلامی است که در طول عمر هر فرد، با محوریت کعبه و امیرالحاج واجب می شود. این مراسم تمرینی جهانی برای رهایی از دلبستگی های دنیوی و پیروی از ولی جامعه در سطح تمدنی است.

۵. **اجتماع اربعین:** اجتماع اربعین، بزرگ ترین گردهمایی شیعیان حول محور سیدالشهدا علیه السلام نماد دل کندن از دنیا و تقویت پیوند امت اسلامی است. این مراسم، نقطه مقابل فرهنگ مادی گرایانه غرب و عامل احیای روحیه یاری ولی خدا در جامعه است.

در تمامی این اجتماعات، دو عنصر مشترک وجود دارد: دل کندن از دنیا و محوریت ولی خدا. این دو عنصر، مؤلفه های اصلی تحقق امت اسلامی و زمینه ساز تشکیل حکومت ولایی هستند. تاریخ نشان داده است که دلبستگی به دنیا، عامل اصلی غفلت امت از ولی خدا بوده است. بنابراین، امت باید علاوه بر رهایی از دنیا، حول ولی خدا گردهم آیند. دشمنان اسلام نیز همواره تلاش کرده اند این اجتماعات را تضعیف کرده یا از شکل گیری آن جلوگیری کنند. قرآن کریم از این تلاش دشمنان با عنوان «فتنه انفضاض» یاد کرده است.

#### ۶. برپایی نظام ولایی مقدمه رسیدن به غایت ارسال رُسل

اسلام جامعه را حتی در حالت مطلوب خود، بدون حکومت پیش بینی نمی کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ص ۴۷۰). حکومت لازمه اجرای شریعت است. حتی زیربنایی ترین آموزه اسلامی یعنی توحید، الهامی است در زمینه

حکومت، روابط اجتماعی، سیر جامعه و هدف‌های جامعه. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ص ۱۶۴). در مباحث قبلی اشاره شد که شرط ورود به ولایت الله نفی طواغیت است. طبیعی است اجرای عدالت و پس گرفتن حق مستضعفان از مستکبران و اجرای عدالت بدون حکومت ولایی امکان پذیر نباشد. اهمیت اقامه قسط به اندازه‌ای است که در قرآن کریم به عنوان غایت ارسال رسل مطرح شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سوره مبارک حدید، ۲۵). نکته قابل تأمل در این آیه این است که مردم باید اقامه قسط کنند. به تعبیر بهتر، تکلیف اقامه قسط به ولی خدا نسبت داده نشده بلکه مستقیم بر عهده مردم گذاشته شده است. حال سؤال اینجاست که نقش ولی خدا چیست؟ در رویکرد انسجامی به قرآن کریم با عنوان «رویکرد تدبری» که ساده‌سازی شده روش علامه طباطبایی رحمت الله علیه در المیزان است، ابهامات درباره یک عبارت اولاً در همان سوره و یا در نهایت در آیات و سوره‌های دیگر پاسخ داده شده است.

اشاره به ارسال رسل در همین آیه شریفه به علاوه انزال کتاب به عنوان میزان برای عدالت و اقامه قسط، ارکان دیگر حکومت ولایی را بیان کرده است. حتی از نظر مقام معظم رهبری میزان در این آیه امام (ولی خدا) است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ص ۳۰۸) این مطلب زمانی بیشتر جلوه می‌کند که در آیات ابتدایی همین سوره، خدا امت را به ایمان به خدا و رسولش دعوت کرده است: «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...» (حدید، ۷). آنچه در سیر این سوره مبارک قابل توجه است، آماده سازی امت جهت اقامه قسط و در آیات پایانی اشاره به علت شکست امت‌های گذشته در برپایی اقامه قسط با محوریت ولی خدا (نظام ولایی) است.

#### ۷. علل شکست امت‌های پیشین در برپایی نظام ولایی جهت اقامه قسط

در آیات انتهایی سوره مبارک حدید خدای متعال به علل شکست امت‌های گذشته در برپایی عدالت بر اساس کتاب الهی و محوریت رسولان خدا پرداخته است. آنچه در بیان سرگذشت امت‌های گذشته در آیه ۲۶ و ۲۷ روشن است تکرار عبارت «کثیر منهم فاسقون» است که پاسخ پرسش علل شکست آنها در برپایی عدالت را در همین عبارت می‌توان یافت. تأمل در این آیات به تنهایی ما را به پاسخ روشنی برای چرایی فاسق شدن این امت‌ها نمی‌رساند؛ لذا اهمیت نگاه انسجامی به آیات قبل و به کلیت سوره بیش از پیش نمایان می‌شود. آنچه مسلم است، اگر بیشتر افراد امت فاسق شوند، زمینه اجرای عدالت در آن امت از بین می‌رود و هرگز موفق به اقامه قسط نخواهند شد. اما سؤال اینجا است که چرا امت‌های گذشته فاسق شدند؟ این پرسش توجه ما را به سیاق‌های قبل یعنی شانزدهمین آیه سوره جلب می‌کند، آنجا که خدای متعالی از مؤمنان خواسته بود تا مانند اهل کتاب نباشند که برهه‌ای بر آنان گذشت و قلبشان قساوت گرفت و بیشترشان فاسق شدند: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»، اینک آیات این کلام می‌فهماند که فاسق شدن اهل کتاب، بدین معنی است که انبیای الهی را در تحقق هدف بلندشان، یعنی برپایی قسط و عدل با جهاد یاری نکردند و در رکاب رسولان الهی به نبرد با موانع برپایی قسط و عدل نپرداختند. برای بررسی دقیق‌تر این امر و علت فاسق شدن امت‌های گذشته، لازم است سیاق قبلی بررسی شود؛ چرا که علت فاسق شدن در بررسی منسجم آیات سیاق قبل امکان‌پذیر است. به عبارت بهتر، قیام به عدل توسط مردم شروطی دارد که در آیات قبل روشن شده است (صباحی، ۱۳۹۹، ج ۲: صص ۲۴۹-۳۰۰).

## ۸. شروط لازم برای برپایی عدالت در بستر نظام ولایی

بررسی آیات سوره مبارک حدید نشان می‌دهد که خشوع قلب زمانی اتفاق می‌افتد که امت اسلامی وابسته به دنیا نباشند و انفاق آرام آرام وابستگی انسان به دنیا را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، زمانی امت می‌توانند ایمان به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشته باشند و به راحتی دستوران ایشان را تبعیت کنند که وابسته به دنیا نباشند. این تبعیت به خصوص در مسأله عدالت جدی‌تر و مهم‌تر است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: صص ۳۶۰ و ۳۷۶)

بحث ایمان و انفاق دو دستور اصلی خدا در آیات ۷ تا ۱۵ یعنی سیاق دوم سوره است. این سیاق دو مطلب دارد؛ آیات ۷ تا ۱۱ و آیات ۱۲ تا ۱۵. این کلام در ابتدا (آیات ۷ تا ۱۱) به ایمان و انفاق دعوت کرده: «ءامنوا .... و أنفقوا» و در ادامه (آیات ۱۲ تا ۱۵) بار دیگر و این بار به وسیله تبشیر و اندازی بر محور ایمان و انفاق، به این مسئله پرداخته است. از این کلام به خوبی فهمیده می‌شود که دعوت به انفاق در این قول مطلب اصلی است و مراد از ایمان، ایمانی است که اثر آن در انفاق ظاهر شود.

دو محور اصلی در این مطلب یکی ایمان به خدا و رسول خدا و دیگری انفاق است. حقیقت ایمان به خدا و رسول تبعیت است و تبعیت از خدا متجلی در تبعیت از رسول<sup>۱</sup> است. با این بیان چشم‌اندازی که در ادامه سوره مبارک ترسیم می‌کند تنها در صورت تبعیت از رسول خدا امکان‌پذیر است. در یک نظام طولی امروزه مقام معظم رهبری سکان‌دار نظام اسلامی هستند که چشم‌انداز مطرح شده در بیانیه نیز با تبعیت امت از ایشان قابل دستیابی است. در متن بیانیه اشاراتی به ظلمت دوران طاغوت و خروج امت اسلامی از آن ظلمات به نورانیت اسلام به رهبری امام راحل (رحمت الله علیه) شده است و از این جهت نیز این مطلب سوره با متن بیانیه قابل تطبیق است.

محور دیگر این مطلب بحث انفاق است. نکته مهم در باب انفاق در این مطلب سوره، تفاوت انفاق قبل از فتح و بعد از فتح است. در یک گسترش معنایی در باب انفاق و با توجه به قرائن این مطلب سوره، انفاق هم شامل انفاق مالی و هم انفاق جانی می‌شود (بحث انفاق و جهاد). این مطلب به خصوص در ارتباط با نازل کردن حدید برای استفاده در مسیر اقامه قسط که در آیه ۲۵ بیان شده قابل توجه است. انفاق مالی و جانی قابل توسعه به تمام تلاش‌های جهادی و صرف کردن مال و جان در راستای رسیدن به فتوحات و پیروزی‌های آینده است.

از جمع‌بندی سیاق‌های سوره حدید چنین بدست می‌آید که قساوت دل اهل کتاب و فسق ایشان محصول دوری از فرهنگ انفاق بود، از این رو خدا از مؤمنان خواسته بود تا مانند اهل کتاب گرفتار قساوت و فسق نشوند و انفاق را به عنوان راه رهایی از مرگ دل و رسیدن به حیات طیب معرفی کرده بود، پس مصداق روشن و مسلم فسق مطرح شده در این آیات (کثیر منهم فاسقون)، ترک انفاق مال و جان در یاری پیامبران الهی به منظور برپایی قسط و عدل است، جز اینکه برخی به دلیل دنیا طلبی از یاری دین سرباز زده‌اند و برخی به دلیل فهم نادرست از زهد به گوشه نشینی و انزوا مبتلا شده و از دنیا و حتی اصلاح آن و نبرد با متجاوزان، که فعالیتی اجتماعی است، غافل مانده‌اند و گروهی از مدعیان پیروی از حضرت عیسی (علیه السلام) از این دسته بودند. یعنی دل بریدن از دنیا را هدف اصلی دانستند و این در حالی است که دل بریدن از دنیا شرط اصلی و مقدمه لازم برای برپایی هدف نهایی

ارسال رسولان یعنی قیام مردم برای برپایی عدل و قسط در بستر نظام ولایی است (صباحی، ۱۳۹۹، ج ۲: صص ۲۴۹-۳۰۰).

دقت در سیر آیات نشان می‌دهد شرط موفقیت مؤمنان برای تحقق آرمان انبیاء، همراه کردن ایمان با انفاق است هم انفاق مال و هم انفاق جان. چون برای برپایی حکومت عدل جهانی معیاری همچون کتاب و برای دفع مخالفان و مبارزه با آنان حدید لازم است. علت عدم موفقیت پیروان انبیای گذشته، دل بستگی به دنیا به دلیل عدم انفاق دانسته است. پس دل بریدن از دنیا خود هدف نیست و به رهبانیت که ابداع پیروان حضرت عیسی علیه السلام بود، نمی‌انجامد، بلکه انفاق زمینه دل بریدن از دنیا را برای موفقیت مؤمنان برای برپایی آرمان انبیاء فراهم می‌کند و برپایی قسط و عدل در نتیجه نهادینه شدن فرهنگ انفاق است.

علل شکست امت‌های گذشته را می‌توان عدم آمادگی آنان برای عدالت دانست. مهمترین عامل بیزاری از عدالت، وابستگی به دنیا است. وابستگی امت‌های گذشته به دنیا سبب شد تا پدیده نفاق در بین آنان رشد کند، دچار قساوت قلب شده و اکثرشان فاسق شوند. وابستگی به دنیا و نفاق آنها سبب شد تا از یاری پیامبرشان جهت برپایی عدالت سرباز زنند و حاضر به انفاق مال و جان در راه برپایی عدالت نشوند. آری مرز فاصل بین مؤمن حقیقی و منافق، انفاق است، انفاق مال و انفاق جان. این مطلبی است که با نگاه تدبری می‌توان از سوره مبارک حدید برداشت کرد (صباحی، ۱۳۹۹، ج ۲: صص ۲۴۹-۳۰۰). پس اگر جامعه اسلامی با گسترش فرهنگ انفاق توانست دل از دنیای فانی بردارد و حول ولی خدا اجتماع کند، علل معده برپایی نظام ولایی ایجاد شده است. حال اگر دشمن بخواهد مانع برپایی نظام ولایی شود چه برنامه‌ای خواهد ریخت؟

به بیان دیگر، تا به اینجای نوشتار وظایف امت به عنوان حلقه مفقوده برپایی نظام ولایی بدون در نظر گرفتن توطئه دشمنان تبیین شد. از منظر دیگری در سوره مبارک جمعه (که پیش‌تر اشاره شد) و نیز در سوره مبارک منافقون چنین تبیین شده است که دشمن تلاش دارد مردم با سرگرمی به «لهو» و «تجارت» مشغول دنیا شده و از یاری رسول خدا غفلت ورزند. این عامل خود باعث پراکندگی امت اسلامی از حول ولی خدا خواهد شد و در عمل نظام ولایی بستر تحقق خود را از دست خواهد داد و ولی خدا تنها شده و در اصطلاح خانه‌نشین، یا شهید، یا زندانی و یا حتی غائب از نظر خواهد شد!! فتنه دشمنان برای برهم زدن مقدمات برپایی نظام ولایی و پراکنده کردن مردم در قرآن کریم با کلیدواژه «انفضاض» قابل رصد است.

## ۹. مقابله با فتنه «انفضاض» شرط شکل‌گیری و بقای نظام ولایی

همان‌طور که بیان شد، شیاطین انس و جن در تلاشند امت اسلامی با سرگرمی به «لهو» و «تجارت» گرفتار انفضاض شده و شرط لازم برپایی نظام ولایی از بین برود؛ پس لازم است چیستی، چرایی و چگونگی مقابله با این فتنه روشن شود.

### • چیستی انفضاض

شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد، ظرفی شیشه‌ای کف آشپزخانه افتاده و هزار تکه شده و هر تکه با سرعت از محل برخورد با زمین پراکنده شود. شاید ساده‌ترین معنای «انفضاض» همین باشد: پراکنده شدن پس از اجتماع.

دشمنان دانسته‌اند تا زمانی که امت اسلامی حول ولی جامعه اجتماع کنند، هرگز نمی‌توانند نور الهی را اطفاء کنند. بر همین اساس تلاش دارند مردم را از حول ولی جامعه پراکنده سازند تا ولی خدا تنها بماند و از این را بتوانند صد سیل کنند. شروع این فتنه طبق سوره مبارک جمعه از زمانی آغاز شد که پیامبر خدا در حال ایراد خطبه‌های نماز جمعه بودند، ناگهان کاروانی از راه رسید، مردم پیامبر خدا را ایستاده رها کرده، از حول او پراکنده شدند و به سوی کاروان تجاری رفتند. در یک برداشت نمادین، کاروان لهو و تجارت نماد دنیا و دنیا گرایی است که دلیل اصلی جدایی مردم از ولی خدا است. سیر تاریخی اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد همین شیوه تا زمان غیبت ادامه داشته است. دشمنان توانستند به دلیل دنیاگرایی مردم زمانه، آنها را از حول امیرالمؤمنین علیه السلام پراکنده سازند و ایشان را خانه‌نشین کردند؛ امام مجتبی علیه السلام را وادار به صلح کردند، کوفیان را به وعده زر یا تهدید زور که هر دو برخاسته از دنیاگرایی آنها بود، از حول سیدالشهدا علیه السلام پراکنده ساختند و کربلا را رقم زدند و این سیر ادامه داشت تا جایی که ولی خدا از میان امت غایب شد. پراکنده کردن مردم از حول ولی خدا و تنها شدن ولی خدا فتنه «انفصاض» است. در این بین انقلاب اسلامی ایران را می‌توان آغازی بر پایان انفصاض دانست. شاید اوج پرده‌برداری خدا از این فتنه که اتفاقاً بیشتر توسط دشمن داخلی یعنی منافقان اجرایی می‌شود، در سوره منافقون تبیین شده است.

#### • «انفصاض» در سوره مبارک منافقون

سوره مبارک منافقون در یک ساختار منسجم در ابتدا با سه «إذا» به معرفی اعتقادات، ظاهر و رفتار منافقان می‌پردازد. سپس با دو «یقولون» در آیه ۷ و ۸ پرده از دو توطئه جدی منافقان برمی‌دارد: «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (۷) يَقُولُونَ لَنَنْصُرَنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸)». این دو توطئه یکی جنبه اقتصادی دارد که مقدمه است و دیگری هدف اصلی است که جنبه سیاسی دارد (برهم زدن نظام ولایی).

۱. توطئه اقتصادی منافقان (محاصره، تحریم و فشارهای اقتصادی): بر اساس آیه هفتم منافقان در صدد هستند تا به وسیله محاصره اقتصادی، مومنان را تحت فشار اقتصادی قرار داده و با این کار ضمن القای ناکارآمدی نظام اسلامی از اداره جامعه، مردم را از گرد رسول خدا و رهبری الهی در جامعه پراکنده سازند.

۲. توطئه سیاسی منافقان (برهم زدن نظام ولایی): آیه هشتم می‌فهماند که منافقان در صورت امکان از براندازی نظام اسلامی هم ابایی ندارند، البته آنان بنا دارند که این توطئه را پیرو اجرایی شدن طرح محاصره اقتصادی، به مرحله عمل درآورند، زیرا می‌خواهند با محاصره اقتصادی مؤمنان همراه با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، ایشان را تنها و به زعم باطل خود دلیل گردانند، سپس به خیال خام خود، عزیزانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را از مدینه اخراج کنند.

بیان این آیات افشاگری نسبت به توطئه‌های منافقان است، نه گزارش از عملی شدن این توطئه‌ها؛ با توجه به افشای دو توطئه از یک سو و زنجیره‌وار بودن این دو از سوی دیگر، می‌توان عنوان این مطلب را اینگونه انتخاب کرد:

«افشاگری نسبت به توطئه منافقان برای تضعیف جایگاه مردمی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، از طریق محاصره اقتصادی؛ و توطئه براندازی نظام اسلامی». (صباحی، ۱۳۹۶: ص ۲۷۱-۳۰۵)

بر این اساس، منافقان در صددند تا با فشار اقتصادی بر مردم، آنها را نسبت به ولی جامعه دلسرد کرده و آنها را پراکنده سازند. این فشار اقتصادی در هر دوره شکل و شمایل و مصداق خاص همان عصر را به خود می‌گیرد و امروزه شکل تحریم یا درخواست برای تحریم بیشتر دارد، یا ایجاد مافیاهای اقتصادی، یا هیجانات کاذب اقتصادی در جامعه، یا لطمه به بنیان‌های اقتصادی نظیر تولید و مانند آن. اگر بتوانند توطئه اول را پیاده کنند، ولی خدا تنها خواهد ماند و منافقان خواهند توانست توطئه دوم یعنی اخراج ولی جامعه از صدر جامعه را پیاده ساخته او را خانه‌نشین یا شهید کنند و خود بر منصب فرمانروایی جامعه تکیه زنند؛ این یعنی لوازم برپایی نظام ولایی را از بین ببرند تا نظام ولایی تشکیل نشود یا اگر تشکیل شد بقا نداشته باشد.

سؤال مهم این است که چرا برخی از مردم بازیچه این فتنه شده و ولی خدا را تنها می‌گذارند و راه حل در امان ماندن و دفع این توطئه‌ها چیست؟

#### • راه حل مقابله با فتنه انفضاض

آیه نهم سوره منافقون به مؤمنان توصیه می‌کند که اموال و اولادشان مانع از یاد خدا نشود. آری، گرایش به دنیا، که اموال و اولاد مظاهر بارز آن هستند، مانع از یاد خدا است، و این باعث خسارت است. آیات نورانی دهم و یازدهم به مؤمنان می‌فهماند که باید پیش از مرگ انفاق کنند تا پس از مرگ حسرت صدقه دادن و نیکوکار بودن را نبرند. این آیات با آیه نهم در ارتباط است، چون انفاق و صدقه دادن راه دل نیستن به دنیا است و در نتیجه اهل انفاق به سبب مال و فرزند از یاد خدا غافل نمی‌شوند، بدین ترتیب این کلام، اموال و اولاد را موجب غفلت از یاد خدای متعالی و آن را نیز موجب خسارت دانسته و انفاق پیش از فرا رسیدن مرگ را به عنوان راه نجات از دنیازدگی و غفلت حاصل از آن دانسته است. این فرازاها در ارتباط وثیق با آموزه‌های سوره مبارک حدید است که پیش‌تر اشاره رفت.

پیشگیری از نفاق: در ابتدای سوره منافقون بیان شده است که منافقان پیش‌تر مؤمن بودند و سپس کافر شدند. چرا منافقان از ایمان دست کشیدند و کافر شدند؟ آن پرسش در این سیاق و آیه نهم پاسخ داده شده است. خداوند در آیه نهم به مؤمنان (که فعلاً مؤمن هستند و ممکن است در صورت غفلت کافر شوند) توصیه می‌کند که از نفاق پیشگیری کنند.

در کلام قبل مطرح شد که حقیقت نفاق، کفر پس از ایمان است و منافقان به اندازه‌ای از خدا دور شده‌اند که از طلب استغفار هم سرباز می‌زنند، این کلام به مومنان هشدار می‌دهد که عامل این کفر و استکبار، غفلت از یاد خدا است و آن هم به دلیل مشغول شدن به دلبستگی‌های دنیوی است، پس با انفاق از دل بستن به دنیا نجات یابید و ایمان خود را از آسیب نفاق در امان نگاه دارید. عنوان متناسب با این کلام عبارت است از: «یاد خدا و انفاق راه حفظ ایمان از خطر نفاق» علامه طباطبایی می‌فرماید: این سوره منافقان را توصیف نموده و ایشان را به شدت عداوت معرفی می‌کند و به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) امر می‌کند که از منافقان بر حذر باشد و به مؤمنان نصیحت می‌کند که از خصائص نفاق به دور باشند تا در مهلکه نفاق نیافتند و به سوی آتش کشیده نشوند. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹: ص ۲۷۸)

راهکاری که سوره منافقون برای مقابله با این فتنه دارد در ابتدا دستورالعملی برای پیشگیری از افزایش نفاق در جامعه است. سرگرم شدن به اموال و اولاد به عنوان نمادی از ثروت و قدرت همان چیزی است که ایمان را آرام آرام سست کرده و انسان مؤمن را به ورطه نفاق پیش می‌برد و از انفاق در راه خدا که فصل ممیز مؤمن و منافق است، باز می‌دارد.

دستور به انفاق در مقابل «لأنفقوا» از سوی منافقان بیان شده است. انفاق در درون جامعه اسلامی یعنی اقدامات اقتصادی در داخل که نظام را از نظر اقتصادی مستقل کرده و وابستگی به خارج از جامعه اسلامی را از بین ببرد تا جامعه از محصور شدن در فشارهای اقتصادی بیگانگان مصون بماند. این سوره فقط به راه مقابله با توطئه اقتصادی می‌پردازد و راه حل توطئه سیاسی را بیان نمی‌کند. این که چرا راه حل توطئه سیاسی بیان نشده بدین جهت است که توطئه سیاسی مبتنی بر توطئه اقتصادی است و اگر فتنه اقتصادی محقق نشود، نوبت به فتنه سیاسی نخواهد رسید.

**یک سؤال مهم:** حال سؤال اینجاست آیا همین دستور در ظاهر ساده (أنفقوا) در آیه نهم سوره مبارک منافقون، آتش فتنه انفضاض را خاموش خواهد کرد؟ هم بله و هم خیر. انفاق در سطح فردی یک معنا دارد، در سطح خانوادگی یک معنا، در سطح سیاسی-اجتماعی یک معنا و در سطح تمدنی هم یک معنا.

شاید برای شرح پاسخ به پرسش فوق، مرور سریعی بر قسمت‌هایی از محتوای نوشتار البته با بیان دیگری لازم باشد. بیان شد که:

۱- نفی طاغوت شرط ورود به ولایت الله است. با این توضیح که گاهی طاغوت یک فرد است مانند فرعون که «إنه طغی»؛ گاهی یک گروه هستند، مانند جماعت منافقان در زمان نزول سوره منافقون؛ گاهی یک کشور است و گاهی در زمان فعلی ما عرصه لشکرکشی طاغوت یک تمدن است با تمامی مؤلفه‌های تمدنی. در حال حاضر با تمدن طاغوتی مواجه هستیم که در تمامی مؤلفه‌های خود به جنگ با نظام ولایی برخاسته است. عرصه تفکری و اعتقادی، فرهنگی، علمی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی و مانند آن. لازمه زمان ما این است که ما هم در همان سطح به مقابله با طاغوت برآییم؛ سطح تمدنی با تمامی عرصه‌های آن؛ همان که امروزه تحت عنوان جنگ ترکیبی مطرح است.

۲- ولایت شأن اجرای دین خدا در پاسخ به اقتضائات زمانه است. حتی اگر در مقام نظر کسی باشد که بر تمامی دین خدا به عنوان برنامه زندگی مسلط باشد، بی‌نیاز از ولی خدا نیست. ولی خدا شأن اجرای همین برنامه زندگی را با توجه به اقتضائات زمانی داراست. به بیان دیگر، هنر ولی خدا این است که بتواند آموزه‌های قرآنی را در سطح مورد نیاز فعلی جامعه توسعه بخشد و در بستر امت اسلامی اجرا نماید. امت هم باید با فهم صحیح از سطح بیان این آموزه و توسعه این مفاهیم در اجرای آن بکوشد.

با این دو مقدمه به یکی از مهمترین ابتکارات مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی در توسعه معنایی «أنفقوا» در سوره مبارک منافقون خواهیم پرداخت که به بیان قرآنی، شرط شکل‌گیری و نیز بقای نظام ولایی است.

## ۱۰. توسعه معنایی «انفاق» توسط مقام معظم رهبری جهت دفع فتنه انفضاض

یکی از مهمترین علل نیاز بشر به ولی الهی تشخیص و تطبیق راهکارهای دینی با اقتضائات مختلف زندگی است؛ اعم از اقتضائات زمانی، مکانی، سطح نیاز، ساحت ارتباطی و مانند آن. ولی الهی از یک سو با تسلطی که بر آموزه‌ها، راهکارهای قرآنی و سنن الهی دارد؛ و از سوی دیگر با اشرافی که بر اقتضائات فعلی امت اسلامی دارد، بهترین تشخیص و تجویز دینی را برای حل مشکلات ارائه می‌دهد.

در قسمت قبلی مشخص شد که مهمترین فتنه دشمن برای از بین بردن نظام ولایی فتنه انفضاض است. مهمترین راهکار دشمن برای شکل‌گیری این فتنه هم فشار اقتصادی (لاتنفقوا) از بیرون جامعه اسلامی است تا نشان دهند نظام اسلام توانایی مدیریت نظام اجتماعی را ندارد و نظام ولایی ناکارآمد است و مردم را از دور ولی جامعه پراکنده سازند. تنها راهکاری که قرآن کریم در سوره مبارک منافقون برای دفع و رفع این فتنه معرفی فرموده، دستور به «أنفقوا» است. از نظر مقام معظم رهبری، انفاق باید برطرف کننده خلأ باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ص ۵۸). ایشان کاربرد زکات در قرآن کریم را نه به معنای اصطلاحی بلکه به معنای مطلق انفاق می‌دانند؛ یعنی هر جا که صحبت از اقامه نماز و ایتای زکات شده است، نه به معنای زکات اصطلاحی، بلکه به معنای انفاق است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷: ص ۴۵۵). این که نظام اسلامی امروزه در یک جنگ اقتصادی با دشمنان دست و پنجه نرم می‌کند و جنگ امروز ماهیت اقتصادی دارد و نام‌گذاری سال‌های اخیر همه حول محور اقتصاد است، می‌تواند ناظر به همین آیات باشد.

با آغاز انقلاب اسلامی، گویا بستری فراهم شد و افقی باز شد و فرصت بیان و ظهور و بروز پیدا کرد که اسلام از حوزه فردی به ساحات اجتماعی، سیاسی و حتی تمدنی ورود پیدا کند. درخت اسلام که در حوزه فردی مستحکم شده بود، نوبت شکوفه زدن در ساحات فرافردی با چشم‌انداز تمدنی پیدا کرد. در این زمان «لا تنفقوا»ی منافقان هم صرف عدم انفاق نبود؛ بسیار توسعه پیدا کرده بود؛ از تمامی مؤلفه‌های تمدنی طاغوت برای فشار اقتصادی بر مردم مسلمان استفاده می‌کردند تا فتنه انفضاض با موفقیت ادامه یابد. انقلاب اسلامی را می‌توان آغازی دانست بر پایان فتنه انفضاض! مردم با انفاق مال و جان انقلاب کردند و با اجتماع حول امام خمینی رحمت الله علیه توانستند نظام ولایی را مستقر سازند. طبیعی است دشمن دست از تلاش برای نابودی این نظام ولایی برنخواهد داشت. بن‌مایه تمامی فتنه‌هایی که در این حدود چهل و هفت سال بر علیه نظام ولایی پایه‌ریزی کردند، انفضاض یعنی پراکنده کردن مردم از حول این نظام به قصد نابودی آن است. این فتنه‌ها هر بار با شکلی جدید ظاهر می‌شد.

بیان شد که یگانه دستور قرآن کریم برای دفع فتنه انفضاض «انفاق» است. مخاطب این دستور امت ایمانی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ... وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ» (منافقون، ۷ و ۸). یعنی این انفاق باید بین امت اسلامی جریان یابد و فرهنگ شود تا فتنه انفضاض خاموش گردد. پس جامعه اسلامی باید از درون به قدری تقویت شود که فشار اقتصادی دشمنان خارجی و داخلی نتواند آنان را گرفتار انفضاض نماید.

راهبردی‌ترین اقدام مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی در اجرای این دستور قرآن کریم ناظر به اقتضائات امروز ما، طرح راهکاری تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» و نامگذاری سال‌های اخیر با موضوعات اقتصادی در راستای همین سیاست کلان اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی توسعه معنایی «أنفقوا»ی قرآن کریم است در سطح یک نظام

ولایی در پاسخ به «لا تنفقوا»ی یک تمدن طاغوتی. ویژگی‌هایی که برای اقتصاد مقاومتی بیان شده، همه در عین حال که در چارچوب همان «أنفقوا»ی قرآن کریم است، در عین حال در سطح یک نظام ولایی توسعه معنایی یافته است. این شعار در حقیقت حرکت به سمت غایت ارسال رسل یعنی عدالت اجتماعی است.

«مجموعه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است. من شرح خواهم داد که این مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ میتواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برآورده کند؛ میتواند مشکلات را برطرف کند؛ درعین حال پویا هم هست؛ یعنی ما این سیاستها را به صورت یک چهارچوب بسته و متحجر ندیده‌ایم، قابل تکمیل است، قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید؛ و عملاً اقتصاد کشور را به حالت انعطاف‌پذیری می‌رساند؛ یعنی شکنندگی اقتصاد را در مقابل تکانه‌های گوناگون برطرف می‌کند... در این بخش [اول] من ده ویژگی را یادداشت کرده‌ام که به شما عرض میکنم که اینها ویژگی‌های این سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که مطرح شده و در واقع مؤلفه‌های این مجموعه است. یکی مسئله‌ی ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخصهای کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، از قبیل تولید ملی، از قبیل اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی. در تأمین این سیاستها، تحرکی در اقتصاد کشور و بهبودی در این شاخصها در نظر گرفته شده؛ و از همه‌ی این شاخصها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

مؤلفه اول اقتصاد مقاومتی از نظر ایشان عدالت اجتماعی است. مؤلفه‌های دیگر از این قرار است: ۲. توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا به خصوص تکانه‌های اقتصادی دنیا؛ ۳. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی؛ ۴. رویکرد جهادی؛ ۵. مردم محوری؛ ۶. امنیت اقلام راهبردی و اساسی در درجه اول غذا و دارو با خودکفایی در تولید؛ ۷. کاهش وابستگی به نفت؛ ۸. اصلاح الگوی مصرف، صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف و ریخت و پاش؛ ۹. فسادستیزی جهات ایجاد امنیت اقتصادی برای حضور مردم در اقتصاد؛ ۱۰. دانش محور بودن اقتصاد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

«سؤال این است که آیا مطرح کردن اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است، همچنان که مثلاً هیئتهای فکر و عمل برای مقابله‌ی با جنگ اقتصادی تشکیل میشود، این سیاستها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به هیچ وجه این جوری نیست؛ این سیاستها بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاستهای بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر اینها گذاشته میشود؛ تدبیر مقطعی نیست، این یک تدبیر بلندمدت است، یک سیاست راهبردی است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

دقت در دستور «أنفقوا» درسوره مبارک منافقون و جایگاه این دستور برای رفع و دفع فتنه منافقان و بازخوانی این دستور با افق نظام ولایی و چشم‌انداز تمدنی، به یک توسعه معنایی می‌انجامد که اگر بخواهیم با ادبیات امروزی بیان

کنیم، شامل تمامی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است که در بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی به زیبایی تبیین شده است. طبیعی است با دفع فتنه اقتصادی منافقان و حفظ انسجام امت اسلامی و اجتماع ایشان حول ولی خدا، هرگز فتنه دوم یعنی فتنه سیاسی و نابودی نظام ولایی محقق نخواهد شد. این همان معنایی است که امام خمینی رحمت الله علیه فرمودند پیش‌تیبیان ولایت فقیه باشید تا به این مملکت آسیبی نرسد.

ذکر این نکته لازم است که توسعه معنایی «أنفقوا» نافی معنای ابتدایی آن یعنی انفاق ظاهری و فردی نیست؛ بلکه با حفظ همان معنا، توسعه‌ای در معنا و در نتیجه یافتن مصداق عینی پدید می‌آید. به بیان بهتر، هر کس در راستای اقتصاد مقاومتی تلاش کند، مصداق انفاق است که نتیجه آن کاهش دلبستگی به دنیا و افزایش تعلق به ولی خدا و در نتیجه یاری او خواهد بود.

این هنر ولی خدا است که آموزه‌های دین را متناسب به اقتضائات زمانه توسعه بخشد و با این توسعه معنایی، زمینه عملیاتی شدن و رفع مشکلات جامعه اسلامی در مسیر رسیدن به هدف نهایی خود یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم سازد. بیانیه گام دوم انقلاب نیز به عنوان متن راهبردی ۴۰ سال آینده نظام اسلامی، یکی از هفت توصیه مهم را به مسأله اقتصاد و به طور خاص گفتمان اقتصاد مقاومتی اختصاص داده است. پس اقتصاد مقاومتی مربوط به زمان حال (رفع مشکلات اقتصادی) نیست بلکه این راهبرد برای آینده نظام ولایی (دفع فتنه‌های اقتصادی دشمن) نیز لازم است.

### نتیجه‌گیری

این نوشتار در پی آن بود تا راهکار قرآنی شکل‌گیری و حفظ و بقای نظام ولایی در اندیشه مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی را تبیین نماید. در این راستا مشخص شد که نظام ولایی استمرار برنامه هدایتی انبیاء علیهم السلام جهت اجرای شریعت الهی است. نظام ولایی سه مؤلفه و رکن اصلی دارد. دین الهی، ولی الهی و مردم که بستر تحقق نظام ولایی هستند. از بین این سه رکن، دین به عنوان برنامه هدایتی که خدا برای بشر فرستاد با ختم نبوت به کمال رسید؛ پس برنامه تکمیل شد. آنچه باقی ماند، اجرا و عملیاتی کردن این برنامه بود. لذا با اتصال نبوت به ولایت، هدایت الهی جهت اجرای دین، از مسیر ائمه علیهم السلام دنبال شد؛ پس مؤلفه دوم نظام ولایی نیز که ولی خدا است در استمرار حرکت انبیاء علیهم السلام تعیین شد و از این جهت مؤلفه دوم نیز وجود داشت. تنها مانع اصلی تحقق نظام ولایی در تاریخ اسلام، مردم بودند که اگر گرفتار فتنه انفضاض نشده بودند، حول ولی خدا اجتماع کرده بودند و بستر تحقق نظام ولایی را فراهم کرده بودند، این نظام شکل می‌گرفت و زمینه برپایی عدالت اجتماعی مهیا می‌شد. پس راهکار قرآنی تحقق نظام ولایی، توجه دادن مردم به این فتنه و تربیت مؤمنان جهت تشکیل امت اسلامی حول ولی خدا است. با این نگاه، انقلاب اسلامی آغازی بود بر پایان فتنه انفضاض.

در ادامه تبیین شد که فرمایشات مقام معظم رهبری پیش از انقلاب، که بعدها تحت عنوان «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» منتشر شد، به تعبیر خود ایشان پایه‌های فکری برای ایجاد نظام اسلامی بود. در این فرمایشات، حتی فردی‌ترین آموزه‌های اسلامی در افق تشکیل نظام اسلامی مطرح می‌شد؛ به تعبیر بهتر، این فرمایشات مردم را با افق جدیدی از دین مواجه می‌ساخت که از دین فردی خارج شوند و بتوانند جهت برپایی و اقامه دین اجتماع کنند. در ادامه با بررسی فراخوان‌های اجتماعی اسلام مشخص شد که مردم در زمان‌های خاص و مکان‌های خاص

(نماز جماعت، نماز جمعه، نماز عیدین، حج، اربعین و مانند آن) حول ولی جامعه یا منصوب از سوی او اجتماع کنند. این اجتماع نماد یاری رساندن مسلمانان به ولی جامعه در جهت اهداف او است. مهمترین هدف اجتماعی ولی جامعه که همان غایت ارسال رسولان توسط خدا است، برپایی عدالت اجتماعی است. سوره مبارک حدید دو شرط را برای امت اسلامی ذکر می‌کند که تنها در صورت احراز این شرایط است که می‌توانند عدالت اجتماعی را با تبعیت از ولی خدا اقامه کنند: یکی ایمان به خدا و ولی خدا (خشوع قلب و تعمیق بعد معنوی انسان) و دیگری انفاق مال و جان (دل کندن از دنیا و بعد مادی). همچنین روشن شد که علت پراکنده شدن مردم از حول ولی خدا در طول تاریخ، نداشتن دو شرط فوق به دلیل حرص و طمع و دلبستگی به دنیا (مادون انسان) از یک سو، و ضعف اتصال معنوی به خدا و ولی خدا (اتصال به مافوق) از سوی دیگر است. این نقیصه مانع اصلی نیل به غایت نهایی اجتماعی اسلام است. سپس با تأملی در سور مبارک منافقون به بررسی علل اصلی فتنه انفضاض و راهکار رفع و دفع این فتنه پرداخته شد. کلیدواژه دفع فتنه انفضاض، و پاسخی به برنامه «لا تنفقوا» از سوی منافقان و دشمنان، دستور الهی تحت عنوان «أنفقوا مما رزقناکم» در انتهای سوره مبارک منافقون است. در صورت تحقق این دستور الهی، فتنه انفضاض درمان خواهد شد و زمینه برای برپایی نظام ولایی و نیز بقا و حفظ آن فراهم می‌شود.

در پایان با تبیینی که ارائه شد، تدبیر حکیمانه مقام معظم رهبری بیان گردید که توسعه معنایی «أنفقوا» در سطح نظام ولایی بود. این توسعه معنایی مصداقی از «أنفقوا» را متناسب به اقتضائات امروز نظام اسلام تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» ارائه داد که به واقع در صورت تحقق کامل، فتنه انفضاض را هم رفع و هم دفع خواهد کرد. این تدبیر در کنار نامگذاری‌های سالیان اخیر با عناوینی مرتبط با اقتصاد و ذیل سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مصداق به‌روزی از راه حل قرآنی است که شرط بقای نظام ولایی و حرکت به سوی غایت این انقلاب، یعنی تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی ارواحنا لتراب مقدمه الفداء خواهد بود.

ولایت جریان یافتن شریعت در کالبد حیات جمعی انسان‌هاست تا با تشکیل نظام ولایی، شریعت امتداد بیابد و جامعه اسلامی (امت) به معراج مشرف شود. نظام ولایی بستر عروج جامعه اسلامی است. امت اسلامی بدون نظام ولایی به معراج راه ندارد. کما این که فاصله اسلام فردی تا مقوله ظهور، تشکیل نظام اسلامی است. اگر در صدر اسلام مسیر عروج فرد انسانی توسط نبی مکرم اسلام باز شد، آخرالزمان مرتبه والای عروج جامعه اسلامی است؛ پس لازم است آموزه‌های اسلام با رویکردی دیگر در چشم‌انداز قله‌های تمدنی بازخوانی شود.

## کتابنامه

### • قرآن کریم

۱. ابوالفضل حسینی، (۱۳۸۳)، «مردم سالاری در نظام ولایی»، فرهنگ کوثر، شماره ۵۸، صص ۵۳ تا ۵۹.

۲. امام خمینی رحمت الله علیه، (بی‌تا)، **تحریر الوسیله**، بیروت.

۳. امامی سید مجتبی، بخشی مسعود (۱۳۹۴)، «تبیین مدل جهان شمول نظام ولایی؛ بر اساس گفت‌وگو با حکومت جهانی اسلام/امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۵، صص ۶۵ تا ۹۴.
۴. بروجردی، (۱۴۱۶ ق) قبله ستر و سائر و مکان مصلی، بی جا.
۵. بنی هاشمی خمینی، (بی تا)، توضیح المسائل (مراجع)، دفتر انتشارات اسلامی.
۶. پورزرین، لیلا، (۱۳۹۳)، «ارتباط شناسی نماز و امامت در رفع کبر»، پایان نامه ارشد، مؤسسه آموزش عالی دارالقرآن الکریم اصفهان.
۷. جمعی از پژوهشگران، (۱۴۲۶)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیه السلام)، بی جا.
۸. حر عاملی، (بی تا)، وسائل الشیعه، قم.
۹. خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۷)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی، چاپ نوزدهم، قم.
۱۰. خامنه ای، سیدعلی. (۱۴۰۱)، حلقات انسان ۲۵۰ ساله - حلقه دوم، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی، چاپ نود و هشتم، قم.
۱۱. خسروپناه عبدالحسین، (۱۳۹۹)، «گذری بر نظریه فقه نظام ولایی»، پاسداراسلام، شماره ۴۶۳، صص ۱۰ تا ۱۲.
۱۲. زحیلی، (بی تا) الفقه الاسلامی و ادلته، دار الفکر.
۱۳. زروندی رحمانی محمد، (۱۳۹۹)، «جایگاه و نقش ولایت فقیه در برپایی نماز جمعه»، آموزه های فقه عبادی، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۱: صص ۵۵ تا ۸۰.
۱۴. سبزواری، هادی بن مهدی، و حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۶۹). شرح المنظومه (تعلیقات حسن زاده)، نشر ناب، تهران.
۱۵. صبحی طسوجی، علی (۱۳۹۷)، آشنایی با دانش تدبر در قرآن کریم، مؤسسه تدبر در کلام وحی، چاپ اول، قم.
۱۶. صبحی طسوجی، علی (۱۳۹۹)، تدبر در قرآن کریم، مؤسسه تدبر در کلام وحی، چاپ اول، ج ۲، قم.
۱۷. صبحی طسوجی، علی (۱۳۹۶)، تدبر در قرآن کریم، مؤسسه تدبر در کلام وحی، چاپ اول، ج ۳، قم.
۱۸. صبحی طسوجی، علی (۱۳۹۸)، تدبر در قرآن کریم، مؤسسه تدبر در کلام وحی، چاپ اول، ج ۴، قم.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۳ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، اسماعیلیان، قم.
۲۰. عالی باه، الحاج، (۱۳۹۶)، «بعد اجتماعی نماز (بررسی تطبیقی بین تفسیر المیزان و المنار)»، پایان نامه ارشد، جامعه المصطفی العالمیه.
۲۱. کاشف الغطاء (۱۳۸۰)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه، بی جا.

۲۲. مجاهدی، قاسم امیر، (۱۳۸۹)، «نقش نماز جمعه در تبیین مصالح اجتماعی»، پایان نامه ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه.
۲۳. مطهرنیا مهدی؛ نعیم آبادی حسن و پریراد رضا (۱۴۰۱)، «مؤلفه های کارآمدی نظام ولایی در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) (با تأکید بر فطرت انسان)»، انسان پژوهش دینی، شماره ۴۸، صص ۲۷۳ تا ۲۹۰.
۲۴. نجفی، (۱۹۸۱)، **جواهر الکلام**، بی جا.
۲۵. حسن نعیم آبادی، مهدی مطهرنیا، و رضا پریراد. «مؤلفه های کارآمدی نظام ولایی در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) (با تأکید بر فطرت انسان)».
-